

فرا ترکیب عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال و اولویت‌بندی بر اساس تحلیل سلسله مراتبی گروهی

Ultracombination of incompatibility factors of higher education curricula and employment and prioritization based on group hierarchical analysis

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۲۳، تاریخ دریافت نسخه نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۱۸، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۲/۲۲

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

S.M.R.Hoseini nejad., (Ph.D student), &
S.A.Siyadat., (Ph.D)

Abstract

Aim: In recent years, the dissatisfaction of employers and business owners regarding the external efficiency of the higher education system and the increase in the unemployment rate of graduates indicate the divergence and incompatibility of university curricula with employment and the labor market. Therefore, the current research was conducted with the aim of identifying and prioritizing the factors of this incompatibility. **Methods:** This research was conducted with a combined method included in 2 phases. In the first phase, while studying all the researches of recent years about higher education curricula and employment with qualitative methods of meta-composition and content analysis, incompatible factors have been identified and in the second phase, using the quantitative method of group hierarchical analysis, they have been prioritized. **Results:** The findings of the research found incompatibility factors in three main categories including process factors (with the subcategories of needs assessment, design, implementation and evaluation), departmental factors (elements) (with the subcategories of professors and lecturers, teaching and learning strategies, goals, content and space, environment and facilities) and institutional factors (with sub-categories of decision-makers, curriculum planning committees and administrative mechanism) and introduced the sub-category "content" as the most important factor of incompatibility. **Conclusion:** In order to create harmony between curricula and employment, the country's higher education system must review curricula with an employment-oriented approach and pay special attention to the identified factors.

Keywords: employment, higher education curricula, group hierarchical analysis, metacomposition

سیدمحمد رضا حسینی نژاد ماهانی^۱ و سید علی سیادت^۲

چکیده

هدف: در سال‌های اخیر نارضایتی کارفرمایان و صاحبان مشاغل نسبت به کارایی بیرونی نظام آموزش عالی و افزایش نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان، از واگرایی و ناسازواری برنامه‌های درسی دانشگاهی با اشتغال و بازار کار حکایت دارد. از این رو پژوهش حاضر با هدف شناسایی و اولویت‌بندی عوامل این ناسازواری انجام شده است. **روش:** این تحقیق با روش ترکیبی گنجانده شده در ۲ فاز انجام شده است. در فاز اول ضمن مطالعه کلیه پژوهش‌های سال‌های اخیر پیرامون برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال با روش‌های کیفی فرا ترکیب و تحلیل محتوا، عوامل ناسازواری شناسایی و در فاز دوم با استفاده از روش کمی تحلیل سلسله مراتبی گروهی اولویت‌بندی شده‌است. **یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق عوامل ناسازواری را در سه مقوله اصلی شامل عوامل فرآیندی (با زیر مقوله‌های نیازسنجی، طراحی، اجرا و ارزشیابی)، عوامل بخشی (عناصر) (با زیرمقوله‌های استاتید و مدرسان، راهبردهای یاددهی و یادگیری، اهداف، محتوا و فضا، محیط و امکانات) و عوامل نهادی (با زیر مقوله‌های تصمیم‌گیران، کمیته‌های برنامه‌ریزی درسی و سازوکار اداری) ارائه و زیرمقوله «محتوا» را به عنوان مهم‌ترین عامل ناسازواری معرفی نمود. **نتیجه‌گیری:** نظام آموزش عالی کشور در راستای ایجاد هم‌نوایی بین برنامه‌های درسی و اشتغال ناگزیر به بازنگری برنامه‌های درسی با رویکرد اشتغال محور و توجه ویژه به عوامل شناسایی شده اولویت‌دار می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اشتغال، برنامه‌های درسی آموزش عالی، تحلیل سلسله مراتبی گروهی، فرا ترکیب

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشگاه اصفهان.

Seyed.31388@gmail.com

https://orcid.org/0000-0001-7386-5716

۲. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

مقدمه

تربیت نیروی انسانی به منظور نقش آفرینی در عرصه‌های مختلف شغلی به عنوان یکی از اساسی‌ترین کارکردهای نظام آموزش عالی کشور قلمداد می‌شود. تنوع، گستردگی و پراکندگی مشاغل همواره بر اهداف، روش‌ها و محتوای دوره‌های دانشگاهی سایه افکنده است و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با انبوهی از نیازهای آموزشی که باید از طریق طراحی و اجرای برنامه‌های درسی پاسخ داده شود مواجه نموده است. مادامی که فرآیندهای نیازسنجی برنامه درسی دوره‌های دانشگاهی بر مشاغل و محتوای دانشی و مهارتی آنها ابتناء یابد، این سازواری نویدبخش تربیت عناصر کارآمد و حرفه‌ای در نظام آموزش عالی کشور خواهد بود؛ ولی اگر برنامه‌های درسی دوره‌های دانشگاهی بر مبنای نیازهای واقعی مشاغل طراحی و اجرا نشود شاهد ناسازواری عمیقی بین خروجی دانشگاه‌ها و نیازهای واقعی صنعت و بازارکار خواهیم بود که نه تنها اثربخشی نظام آموزش عالی را به چالش می‌کشد بلکه هزینه‌های گزافی را در عرصه آموزش‌های بدو خدمت و بازآموزی کارکنان بر کارفرمایان متحمل می‌نماید. اگرچه بنا به یافته‌های ارتس، هولی، ملورز بورنر^۱ (۲۰۱۷) موضوع اشتغال‌پذیری با عنوان «مهارت‌های کلیدی» وارد سیاست‌های آموزش عالی و برنامه‌های درسی آن شده است اما همواره یکی از دغدغه‌هایی که در کشورهای در حال توسعه و حتی توسعه‌یافته از گذشته دور تا کنون مطرح بوده است، نبود هماهنگی و سازگاری لازم برون دادهای نظام آموزشی با نیازهای بازارکار می‌باشد چنانکه گارسیا آلوارز، لوزادا و کومسانا^۲ (۲۰۱۴) یکی از دلایل مهم ناکامی دانش‌آموختگان در امر اشتغال را نبود رابطه پایدار بین آموزش‌های دانشگاهی و بازار کار معرفی می‌کنند به طوری که از نظر کارفرمایان فقدان مهارت‌های مناسب بزرگترین مانع به‌کارگیری دانش‌آموختگان عنوان کرده‌اند (لیسا^۳ و همکاران (۲۰۱۹)). پیامد این نبود هماهنگی، انحراف شغلی و یا بیکاری دانش‌آموختگان و جوانان آموزش دیده است که باعث می‌شود کارایی درونی و بیرونی نظام آموزشی مورد تردید قرار گرفته و زیر پرسش و ابهام برود (شریعت زاده و همکاران، ۱۳۸۵). این مسئله در کشور ما نیز با وضعیت بحرانی روبروست به طوری که براساس آخرین سالنامه رسمی که در فروردین ۱۴۰۰ توسط مرکز آمار ایران منتشر شده است، ۴۵/۱ درصد از جمعیت بیکار کشور را فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تشکیل می‌دهند (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۸، ص ۲۰۲). همچنین بنابه گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰ از میان فارغ‌التحصیلان آموزش عالی که جویای شغل بوده و تمایل به اشتغال دارند ۱۳/۴ درصد بیکار

1 - Artess, J., Hooley, T. and Mellors-Bourne, R

2 - Garcia Alvarez, Losada, & Comesana

3 - Lisá

هستند هرچند نرخ بیکاری افراد دارای مدرک دانشگاهی در بهار ۱۴۰۰ نسبت به بهار ۱۳۹۹ حدود ۰/۱ درصد کاهش را نشان می‌دهد (خبرگزاری اقتصاد نیوز، ۲۷ مرداد ۱۴۰۰). اگرچه نمی‌توان عدم کارایی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را به عنوان علت تامه این آمارها در نظر گرفت اما آنچه که روشن است واگرایی بین خروجی آموزش عالی و نیازهای واقعی صنعت و بازار کار، بر تمایل کارفرمایان نسبت به جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی اثر گذار بوده و در برخی موارد گرایش به تأمین نیروی انسانی با تحصیلات پایین‌تر را تقویت نموده است چنانچه آبل^۱ و همکاران (۲۰۲۰) تطابق نادرست بین توانایی‌های فارغ‌التحصیلان و نیازهای کارفرمایان را به عنوان یکی از اصلی‌ترین موضوع‌های اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی معرفی می‌کنند. اهمیت این مسئله زمانی دوچندان می‌شود که رشد روزافزون تعداد مراکز آموزش عالی و به تبع آن افزایش نرخ دانش‌آموختگان دانشگاهی، کفه‌ی ترازوی افراد جویای کار را به سمت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی سنگین‌تر می‌کند که در صورت عدم آسیب‌شناسی، برنامه‌ریزی و انجام اقدامات اصلاحی نظام آموزش عالی کشور را با تهدیدی جدی روبرو خواهد نمود. از این رو پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل این واگرایی و به‌طور ویژه به دنبال شناسایی عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی با اشتغال و اولویت‌بندی آن است تا در فرآیند بازنگری برنامه‌های درسی توسط کمیته‌های طراحی و برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی مدنظر قرار گرفته و داده‌های تصمیم‌ساز را برای مراجع سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر در حوزه آموزش عالی فراهم نماید.

در سال‌های اخیر تحقیقات زیادی در خصوص برنامه‌های درسی رشته‌های دانشگاهی صورت گرفته است که طیف گسترده‌ای از این مطالعات به جنبه‌های مختلفی از همگرایی یا واگرایی برنامه‌های درسی با موضوع اشتغال پرداخته‌اند. دامنه این تحقیقات محدود به رشته‌ها و گرایش‌های خاصی نبوده و گستره‌ای از رشته‌های فنی‌مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و علوم انسانی را شامل می‌شود؛ اما آنچه که بیش از هر موضوع دیگری در وجوه اشتراک یافته‌های این تحقیقات به چشم می‌خورد وجود یک ناسازواری در اجزای مختلف برنامه‌های درسی آموزش عالی با نیازهای واقعی بازار کار و کارفرمایان است. به عنوان نمونه وزیری (۱۳۷۸) در رساله دکتری خود با عنوان «نظام برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران، ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌ها» بیان می‌کند که استادان و دانشجویان ۶ گروه عمده آموزشی (پزشکی، علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی، دانیزشکی، هنر و معماری) برنامه درسی گروه خود را از نظر هماهنگی با پیشرفت‌های علمی و هدف‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و توجه به کیفیت نهایی برون‌دادهای آموزش عالی و توانایی مهارت‌شغلی، ضعیف ارزشیابی کرده‌اند. همچنین مهرعلیزاده

1- Abelha

فرا ترکیب عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال ...

و آرمین (۱۳۸۶) در بررسی بازار کار دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی ایران ابراز داشتند که در زمینه مطابقت تجارب و برنامه‌های آموزشی دوره‌های کارشناسی با نیازهای موجود در بازار کار ناهماهنگی وجود دارد. از طرفی آقاپور و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «نقش مهارت‌های کلیدی در شکل‌گیری قابلیت اشتغال دانشجویان» نشان می‌دهد که در سرفصل‌های موجود در برنامه درسی دانشجویان، برنامه‌ای برای آینده شغلی آنان در نظر گرفته نشده است و هیچ سازوکار روشنی که آنان پس از دانش‌آموختگی بتوانند از دانش فنی خود استفاده کنند، در اختیارشان قرار نداده‌اند. لوئن^۱ (۲۰۰۸) در مطالعات خود دریافت که بین برنامه درسی قصد، اجرا و تجربه شده هماهنگی وجود ندارد و دیدگاه‌های صنعتگران، کارفرمایان، مدرسان، اعضای هیأت علمی و دانش‌آموختگان در خصوص شایستگی‌های دانش‌آموختگان متفاوت است. نتایج تحقیق موحدی (۱۳۹۶) با عنوان «بازدارنده‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی» محتوای نادرست درسی از جمله تناسب نداشتن محتوای دروس با بازار کار و تأکید بیش‌ازحد بر درس‌های نظری در سند برنامه‌های درسی رشته گرایش‌های کشاورزی را به عنوان اولین عامل بازدارنده در اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی معرفی می‌نماید. قاسمی پویا و خلاقی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که در اجرای برنامه درسی رشته الکتروتکنیک، فقط اهداف نگرشی محقق شده است و این برنامه از کارایی درونی بسیار پایینی برخوردار است. دورتی، فورنیر و لافون (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «شایستگی‌های کانونی (اصلی) دانشجویان دکتری» تعداد ۱۱۱ شایستگی مختلف را جهت اشتغال‌پذیری دانشجویان دکتری شناسایی و در شش دسته اصلی شامل دانش و مهارت‌های فنی خاص، شایستگی‌های انتقال‌پذیر رسمی، شایستگی‌های انتقال‌پذیر غیررسمی، شایستگی‌های گرایشی (نگرشی)، شایستگی‌های رفتاری و فراشایستگی تقسیم بندی کرده‌اند که در برنامه‌های درسی آموزش عالی به جز در مواردی جزئی خلاء این شایستگی‌ها به وضوح به چشم می‌خورد. کرمی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تغییرات اقلیم: بستری نو در برنامه درسی آموزش عالی» به نقل از فتحی و اجارگاه (۱۳۹۸) بیان می‌کنند که برنامه درسی آموزش عالی در ایران به دلیل شرایط تحمیلی نامناسب دچار انسداد شده است و راه خروج از این انسداد رشته و شرایط حاکمه، نوعی بازآرایی رشته در سرزمین‌ها و بسترها و اقلیم‌های جدید است این بازآرایی با استفاده از طرح مفهوم مهاجرت رشته‌ای، ضرورت یافتن سرزمین‌های جدید برای پاسخ به دغدغه‌های برنامه درسی را راه حل عبور از انسداد رشته-ای تعریف می‌کند.

بررسی اولیه یافته‌های مطالعات انجام شده در خصوص برنامه‌های آموزش عالی و اشتغال نشان می‌دهد که علی‌رغم اینکه پژوهشگران مختلف از جنبه‌های متفاوتی به موضوع برنامه‌های درسی و اشتغال پرداخته‌اند اما جملگی با ذکر عواملی نسبت به واگرایی بین برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال ادعان نموده‌اند. از این رو پژوهش حاضر به منظور یکپارچه‌سازی و اولویت‌بندی این عوامل ضمن اتخاذ رویکردی سیستمی و نگرشی نظام‌مند از فراترکیب برای کشف و تلفیق عوامل ناسازواری موجود در مطالعات پیشین استفاده نموده است و سپس ضمن بهره‌گیری از نظر خبرگان و صاحب‌نظران برنامه درسی آموزش عالی برای اولویت‌بندی عوامل شناسایی شده، روش تحلیل سلسله مراتبی گروهی به خدمت گرفته است تا در پی آن به ۲ سؤال اصلی پژوهش که در زیر آمده است پاسخ داده شود:

۱ - عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی با اشتغال کدام‌اند؟

۲ - اولویت هر یک از عوامل ناسازوار برنامه‌های درسی آموزش عالی با اشتغال در مقایسه با سایر عوامل به چه صورت است؟

روش تحقیق:

این پژوهش با استفاده از روش ترکیبی گنجانده شده، در ۲ فاز طرح‌ریزی و اجرا شده است. در فاز اول به منظور جمع‌آوری، بازبینی و مرور نظام‌مند و یکپارچه پژوهش‌های پیشین در حوزه برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال از روش فراترکیب به عنوان یکی از روش‌های کیفی تحقیق استفاده شده است. سپس به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش‌های قبلی از روش تحلیل محتوا که با هم از جمله روش‌های کیفی تحقیق محسوب می‌شود بهره برداری شده است و در نهایت در فاز دوم پژوهش به منظور اولویت‌بندی عوامل احصاء شده در مرحله قبل، براساس نظر صاحب‌نظران و خبرگان موضوعی از روش سلسله مراتبی گروهی^۱ به عنوان یکی از روش‌های کمی پژوهش استفاده شده است.

الگویی که در مرحله فراترکیب پژوهش‌های گذشته مورد استفاده قرار گرفته است مدل ساندلوسکی و باروسو^۲ (۲۰۰۶) است که براساس آن، طی هفت مرحله، مطابق شکل ۱ نسبت به شناسایی عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی و اشتغال اقدام شده است.

1 - Analytical Hierarchy process (AHP)

2 - Sandelowski, M., & Barroso, J



شکل ۱. گام‌های فرا ترکیب

به‌منظور تجزیه و تحلیل و ترکیب یافته‌های مطالعات قبلی (پنجمین گام از فرا ترکیب) براساس آنچه که پیش‌تر بیان شد از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. در این مرحله ضمن استخراج عبارات، مفاهیم، مضامین و مؤلفه‌های اصلی بیان شده در پژوهش‌های قبلی درخصوص عوامل این ناسازواری، از نرم افزار تحلیل کیفی اطلس تی آی (ATLAS.ti) به‌عنوان یک نرم افزار تئوری‌ساز مبتنی بر کد، که از امکانات و قابلیت‌هایی از قبیل امکان کدگذاری متن، تخصیص کدها به مفاهیم و مضامین، مرتبط کردن یادداشت‌های پژوهشگر با کدها، قابلیت جست‌وجوی پیشرفته، عملیات بازخوانی داده‌های کدگذاری شده و تولید شبکه‌های معنایی برخوردار است استفاده شده است. در ادامه برای کسب اطمینان و تضمین کیفیت یافته‌ها ضمن تلاش برای انتخاب هدفمند و اصولی مقالات مرتبط از منابع اصلی و معتبر و همچنین پالایش گام‌به‌گام و دقیق مقالات، در فرآیندی جداگانه مقالات نهایی در اختیار یک نفر ارزشیاب که نسبت به موضوع آشنایی کافی داشت قرار گرفت تا ضمن کدگذاری مجدد و مقایسه با نتایج کدگذاری پژوهشگر بتوان نسبت به میزان توافق نظرات، تضمینی درخصوص پایایی آن ارائه نمود؛ از این‌رو پس از کدگذاری مجدد، داده‌های مربوط به کدهای باز در نرم‌افزار spss وارد و ضریب کاپای کوهن به میزان ۰,۹۴ محاسبه شد که بیانگر توافق بالای نظر پژوهشگر و ارزشیاب در کدگذاری-هاست.

پس از تعیین عوامل ناسازواری موجود در برنامه‌های درسی آموزش عالی با اشتغال، نوبت به اولویت‌بندی آنها می‌رسد تا از رهگذر آن بتوان اطلاعات مفید و سازنده‌ای برای سیاستگذاران و تصمیم‌گیران حوزه آموزش عالی و همچنین بازخورد مناسبی از برنامه‌های درسی وزارت علوم به طراحان و برنامه‌ریزان درسی این دوره‌ها نسبت به اولویت‌های عوامل ناسازوار این برنامه‌ها با

موضوع اشتغال فارغ التحصیلان ارائه نمود. بدین منظور از روش تحلیل سلسله مراتبی گروهی استفاده شده است. براین اساس ماتریس مقایسات زوجی عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال تشکیل و در اختیار ۸ نفر از صاحب نظران و خبرگان علم برنامه‌درسی قرار گرفت تا نظرات خود را در خصوص ترجیحات دوجه دو عوامل شناسایی شده منعکس نمایند؛ و در آخرین گام داده‌های ماتریس به نرم افزار Expert Choice که یک نرم‌افزار تخصصی به‌منظور انجام محاسبات فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی است وارد شد و وزن هر یک از عوامل محاسبه گردید.

یافته‌های تحقیق

کلیه مقالات علمی پژوهشی منتشر شده در پایگاه‌های اطلاعات علمی کشور که به برنامه‌های درسی آموزش عالی و موضوع اشتغال طی دو دهه گذشته (از ۱۳۸۱ تا ۱۴۰۰) پرداخته‌اند به عنوان جامعه مورد مطالعه در این تحقیق در نظر گرفته شد. براین اساس پایگاه‌های اطلاعاتی که به صورت دقیق مورد جستجو قرار گرفت شامل «بانک اطلاعات نشریات کشور»، «پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی»، «پرتال جامع علوم انسانی»، «پایگاه مجلات تخصصی نور» و «علم‌نت» بود که از طریق جستجوی هدفمند در مجموع ۱۹۶ مقاله استخراج و در مخزن پژوهش قرار گرفت. در ادامه از طریق بررسی دقیق‌تر عناوین، چکیده و یافته‌های مقالات استخراج شده تعدادی از مقالات به دلیل عدم برخورداری از محتوای مناسب با موضوع از فهرست نهایی مقالات حذف و در نهایت تعداد ۷۸ مقاله که به طور دقیق به مسئله مورد تحقیق پرداخته بودند انتخاب و در شناسنامه نهایی پژوهش کدگذاری و قرار داده شدند. جدول شماره ۱ فهرست تفصیلی پژوهش‌های مورد مطالعه در این تحقیق و جدول شماره ۲ فراوانی مقالات مورد بررسی را به تفکیک بازه‌های ۵ ساله نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: فهرست تفصیلی مقالات مورد بررسی

عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال	روش	ابزار
جایگاه مهارت‌های شغلی مورد نیاز دانش آموزان درس کاروفناوری در اسناد بالادستی آموزش و پرورش	ملکی، لیاقتدار، نیلی	۱۴۰۰	تحلیل محتوا	سازه تحلیلی
واکاوی کیفی ترجیحات شغلی و آموزش مهارت-های شغلی در آموزش‌های کشاورزی	مراد نژاد	۱۴۰۰	پدیدارشناسی	مصاحبه

عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال	روش	ابزار
واکاوی ماهیت عناصر الگوی برنامه درسی جامعه‌محور در نظام آموزش عالی براساس رویکرد فرا ترکیب	رحیمی و دهقانی	۱۳۹۹	سنتز پژوهی و تحلیل محتوا	چک لیست
بنیان های نظری دیدگاه نو/چند بسترسازی در مطالعات برنامه درسی: از "برنامه درسی آکوارومی" تا "نظریه جهان های متعدد در مطالعات برنامه درسی"	فتحی واجارگاه	۱۳۹۹	نظریه پردازی	سازه تحلیلی
مقایسه تطبیقی برنامه‌های درسی جدید رشته مهندسی معماری در مقطع کارشناسی با برنامه درسی قدیم دانشگاه‌های ایران	وزیری فراهانی و همکاران	۱۳۹۹	پیمایش تطبیقی	سند رسی
بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در دوره کارشناسی ارشد	نصراللهی نیا و الهدی	۱۳۹۹	توصیفی - تحلیلی	مصاحبه
بررسی پایداری درونی برنامه درسی رشته الکتروتکنیک شاخه فنی و حرفه‌ای از دیدگاه دینفعان	عصاره و همکاران	۱۳۹۹	پیمایشی	پرسشنامه
تأثیر برنامه های درسی کارشناسی ارشد رشته های علوم تربیتی بر رشد مهارت های شغلی، انتظارات شغلی و شانس اشتغال دانش آموختگان این رشته ها	پارسا، مقدم و مهرعلیزاده	۱۳۹۹	توصیفی - پیمایشی	پرسشنامه
تغییرات اقلیم بستری نو در برنامه درسی آموزش عالی	کرمی و همکاران	۱۳۹۹	توصیفی تحلیلی	چک لیست
چرخش از نظریه پردازی به نظریه پردازی همادین در برنامه درسی رویکردی عصب پدیدارشناختی	هوشمند و همکاران	۱۳۹۹	نظریه ورزی	
شناسایی قابلیت های اشتغال پذیری دانش آموختگان تربیت بدنی با استفاده از رویکرد داده بنیاد	امیرحسینی و حمیدی	۱۳۹۹	داده بنیاد	مصاحبه
طراحی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در نظام آموزش عالی مهارتی	هادی زاده و همکاران	۱۳۹۹	نظریه زمینه ای	مصاحبه و چک لیست
نقش برنامه درسی مبتنی بر شایستگی در اشتغال پذیری فارغ التحصیلان نظام های مهارتی	هادی زاده و همکاران	۱۳۹۹	توصیفی استنتاجی	مصاحبه

عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال	روش	ابزار
نقش برنامه های درسی در رشد مهارت های شغلی، انتظارات شغلی و شانس اشتغال از دیدگاه دانشجویان و دانش آموختگان رشته های کشاورزی	اکیدی، پارسا و الهام پور	۱۳۹۹	توصیفی - پیمایشی	پرسشنامه
ارتقای کیفیت تدریس در آموزش عالی فنی و حرفه ای با تأکید بر رویکرد اشتغال زایی و مهارت محوری	شفیع و همکاران	۱۳۹۹	اکتشافی	مصاحبه و پرسشنامه
دوره کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی در ترازوی تحلیل و نقد	باقری و علم- الهدی	۱۳۹۹	تحقیق موردی	مصاحبه
کاوش تجربه کمال گرایانه دانشجویان دکتری از برنامه های درسی آموخته شده دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز: یک مطالعه پدیدارشناسانه	محمدی و عزیزی	۱۳۹۸	پدیدارشناختی توصیفی	مصاحبه
تجربه زیسته دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان از برنامه جدید کارورزی تربیت معلم ایران	موسی پور و همکاران	۱۳۹۸	پدیدارشناسی	مصاحبه
تعیین مؤلفه های اشتغال پذیری دانش آموختگان دانشگاهی با رویکرد آمیخته اکتشافی	خراسانی و همکاران	1398	آمیخته اکتشافی	مصاحبه
چالش های بازنگری و اجرای برنامه های درسی در دانشگاه فردوسی مشهد	زمهریر، کرمی و جعفری ثانی	1398	مطالعه موردی	مصاحبه
طراحی الگوی شایستگی های برنامه درسی کارآفرین محور در رشته علوم تربیتی	شجاعی و همکاران	۱۳۹۸	امیخته	مصاحبه
طراحی مدل مهارت های اشتغال پذیری دانش آموختگان آموزش عالی کشور نمونه موردی، بنگاه های کوچک و متوسط استان تهران	درویشان، تسلیمی و حکیم زاده	۱۳۹۸	مطالعه موردی	مصاحبه
طراحی و تبیین الگوی عوامل مؤثر بر عملکرد در بازارگرایی در دانشگاه فنی و حرفه ای کشور	مهاجرانی و همکاران	۱۳۹۸	مدل سازی ساختاری	پرسشنامه
سنجش نگرش و ادراکات دانشجویان و دانش آموختگان کارشناسی ارشد نسبت به نقش برنامه های درسی رشته تحصیلی خود در کسب مهارت های شغلی، انتظارات شغلی و شانس اشتغال آن ها	اکیدی	۱۳۹۸	توصیفی پیمایشی	پرسشنامه

عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال	روش	ابزار
رویکردهای مختلف به تدریس نظریه‌ها در برنامه درسی آموزش عالی	خندقی و محمدزاده قصر	۱۳۹۸	توصیفی	تحلیل محتوا
ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی بر اساس مدل کانو	شیخ‌لار و همکاران	۱۳۹۸	توصیفی پیمایشی	پرسشنامه
برنامه ریزی شاخص‌های مهارت آموزی در آموزش عالی، درگاهی به سوی کاهش نابرابری های کیفیت آموزشی دانشگاه‌ها	مصطفی پور	۱۳۹۸	تحلیل محتوا	مصاحبه
گسست آموزشی: فاصله برنامه درسی قصد شده و کسب شده در نظام آموزش عالی ایران	غربا، رحیمی و دهباشی	۱۳۹۷	پدیدارشناسی	مصاحبه
فرا تحلیل چالش‌های محیط آموزش عالی در قرن بیست و یکم به عنوان الگوی جهت‌گیری برنامه های درسی	رحیمی	۱۳۹۷	سنترپژوهی و تحلیل محتوا	فیش برداری از اسناد
سیاستگذاری در برنامه ریزی درسی مرتبط با اشتغال زایی در نظام آموزش و پرورش در تحقق تولید و اشتغال	محمدی و محمدی	۱۳۹۷	تحلیلی سندی	چک لیست
سیر تحول برنامه های درسی در نظام آموزش عالی ایران	کیایی جمالی و همکاران	۱۳۹۷	تاریخی	مصاحبه
منطق برنامه درسی گرایش علمی کاربردی کشاورزی با رویکرد کارآفرینی	فرجام و همکاران	۱۳۹۷	داده بنیاد	مصاحبه
مؤلفه‌های برنامه درسی مقطع کارشناسی رشته ترویج و آموزش کشاورزی براساس رویکرد آموزش میان رشته‌ای	موزن و همکاران	۱۳۹۷	توصیفی - پیمایشی	پرسشنامه
مؤلفه‌های ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دوره کارشناسی پیوسته دانشگاه فرهنگیان	معروفی، یوسف زاده و میرزایی فر	۱۳۹۷	آمیخته	مصاحبه
بررسی وضعیت موجود برنامه درسی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی از دیدگاه دانشجویان	رحمان پور و همکاران	۱۳۹۷	پیمایشی	پرسشنامه
برنامه درسی فرارشته‌ای، مبتنی بر تحلیل لایه‌ای علی: مفروضه‌های فلسفی، دلالت‌ها و مدلی برای آموزش	شعبانی‌ورکی و همکاران	۱۳۹۶	تحلیل محتوا	چک لیست
محتوای برنامه درسی مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در آموزش عالی ایران	کشاورزی و همکاران	۱۳۹۶	نظریه داده بنیاد	مصاحبه

عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال	روش	ابزار
زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران	صفایی موحد	۱۳۹۶	تحقیق نظریه مبنایی	مصاحبه
شناسایی راهبردهای ارتقای فرهنگ برنامه ریزی درسی در دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ایران	پرکریا و همکاران	۱۳۹۶	داده بنیاد	مصاحبه
بازدارنده‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی	موحدی	۱۳۹۶	نظریه پایه ور	مصاحبه
بررسی مؤلفه‌های مبتنی برشغل وشاغل در برنامه درسی	یادگارزاده	۱۳۹۶	تحلیل محتوا	مصاحبه گروهی
بررسی میزان به کارگیری عناصر برنامه درسی سازنده گرا در آموزش عالی	صالحی عمران و عابدینی بلترک	۱۳۹۶	متوالی - تبیینی	پرسشنامه
بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان نظام آموزشی	عابدیان، شکوهی فرد و گواهیان	۱۳۹۶	فرا تحلیل	چک لیست
تبیین برنامه درسی آینده در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴	عبدی، میرشاه جعفری، نیلی و رجائی پور	۱۳۹۶	ترکیبی اکتشافی	مصاحبه و پرسشنامه
فرآیند یادگیری در کلاس معکوس بازنمایی از برنامه درسی تجربه شده در آموزش عالی	کاویانی و همکاران	۱۳۹۶	داده بنیاد	مصاحبه
موقعیت برنامه درسی کارآفرینی در دانشکده کشاورزی دانشگاه‌های بوعلی سینا، رازی و کردستان	موحدی، ترازک و سعدی	۱۳۹۶	توصیفی - تحلیلی	پرسشنامه
مؤلفه های برنامه درسی بر خود کارآمدی کارآفرینانه دانشجویان مرکزهای آموزش عالی علمی-کاربردی کشاورزی البرز	صالحی، منوری فرد و محمدی	۱۳۹۶	علی - ارتباطی	پرسشنامه
بررسی وضعیت ادراک دانشجویان تحصیلات تکمیلی از مطلوبیت مؤلفه‌های برنامه درسی در دانشگاه فردوسی مشهد	طاطاری، مهram و کارشکی	۱۳۹۶	پیمایشی	پرسشنامه
مفهوم پردازی گفتمان برنامه درسی محیط کار؛ گفتمان نوظهور یا مغمول؟	حاجی آبادی و همکاران	۱۳۹۶	پدیدارشناسی توصیفی	تحلیل محتوا
سنترپژوهی چالش‌های برنامه‌های درسی آموزش عالی کشور در دهه اخیر و راهکارهای پیش‌رو	کاویانی و نصرافهانی	1395	سنترپژوهی	فرم کاربرگ

عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال	روش	ابزار
آسیب‌شناسی فرایند تأسیس رشته‌های جدید دانشگاهی در ایران	محمودی و خادمی کله‌لو	۱۳۹۵	آمیخته اکتشافی	مصاحبه
تنگناها و چالش‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی از دیدگاه مدیران اجرایی	زلالی، خسروی‌پور و زارع	۱۳۹۴	پیمایشی	پرسشنامه
شناسایی قابلیت‌های اشتغال‌پذیری دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها براساس نظریه داده بنیاد	شرفی و عباسپور	۱۳۹۴	داده بنیاد	مصاحبه
بررسی وضعیت قابلیت اشتغال در برنامه‌ی درسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های کشاورزی دانشگاه تهران	آقاپور و همکاران	۱۳۹۳	پیمایشی	پرسشنامه
ارزیابی کیفیت برنامه درسی گروه علوم تربیتی دانشگاه کاشان	قادری و شکاری	۱۳۹۳	توصیفی - پیمایشی	پرسشنامه
پیامدهای رفتاری برنامه درسی پنهان در آموزش عالی کشاورزی	شریف زاده	۱۳۹۳	پدیدارشناسی توصیفی	مصاحبه
شناسایی یک چهارچوب مطالعاتی برای فرهنگ رشته‌ای در برنامه‌های درسی آموزش عالی	خاکباز	۱۳۹۳	نظریه مبنایی	مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه
نقش مولفه‌های برنامه درسی بر گرایش به خلاقیت دانشجویان مرکزهای آموزش عالی علمی کاربردی کشاورزی البرز	منوری فرد، محمدی و رضوانفر	۱۳۹۳	کمی (تحلیلی - ارتباطی)	پرسشنامه
نقش مهارت‌های کلیدی در شکل‌گیری قابلیت اشتغال دانشجویان	آقاپور، موحد محمدی و علم بیگی	۱۳۹۳	توصیفی همبستگی	پرسشنامه
نیازهای آموزشی مدیریت کارآفرینی دانشجویان دانشکده‌های کشاورزی غرب ایران	خالدی، آگهی و اسکندری	۱۳۹۳	توصیفی	پرسشنامه
الزامات و چالش‌های طراحی برنامه درسی آموزش عالی با رویکرد جامعه یادگیری	کریمی، نراسفهبانی و زنده‌یادشریف	۱۳۹۲	توصیفی پیمایشی	مصاحبه و پرسشنامه
ارزیابی اثربخشی برنامه درسی کارآفرینی دانشگاه آزاد اسلامی	پرنджانی و جعفری	۱۳۹۲	پیمایشی	پرسشنامه
بررسی سهم اشتغال مهارت‌آموختگان فنی و حرفه‌ای و دانش‌آموختگان آموزش عالی	پیرسلامی، سنتیانی و رحیمی	۱۳۹۲	پیمایشی	سند رسی

عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال	روش	ابزار
تغییر برنامه درسی آموزش عالی	کرمی و فتاحی	۱۳۹۲	توصیفی - پیمایشی	پرسشنامه
سواد برنامه درسی برای مدرسین دانشگاه از نگاه مدرسان حوزه مطالعات برنامه درسی	عباباف و همکاران	۱۳۹۲	توصیفی	مصاحبه
عوامل شکل دهنده برنامه درسی پنهان در آموزش عالی ایران	موحد و باوفا	۱۳۹۲	مردم‌نگاری	مشاهده و چک لیست
مساله اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی و ضرورت توجه به مهارت های اشتغال زای بازار کار در طرح آمایش آموزش عالی	عمران و قهدریجانی	۱۳۹۲	تحلیلی - توصیفی	سند رسی
بررسی میزان آموزش مهارت های اشتغال زای مورد نیاز بازار کار در برنامه های درسی حسابداری مهندسی عمران و صنایع غذایی	مهمویی، کرمی و مشهدی	۱۳۹۱	زمینه یابی	پرسشنامه
دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش آموختگان مقطع کارشناسی حسابداری دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری	مجتهدزاده، علوی طبری و مرادی پر	۱۳۸۹	پیمایشی - کاربردی	پرسشنامه
راهکارهای بهبود وضعیت اشتغال دانش آموختگان رشته های کشاورزی (مطالعه موردی دانشگاه بوعلی سینا همدان)	موحدی و همکاران	۱۳۸۹	پیمایشی	پرسشنامه
عوامل تاثیرگذار بر کارآفرینی دانشجویان دانشکده های کشاورزی استان تهران	حسینی و حسینی و سلیمانپور	۱۳۸۸	توصیفی - پیمایشی	پرسشنامه
بررسی بازار کار دانش آموختگان مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی ایران	مهرعلیزاده و آرمن	۱۳۸۶	میدانی توصیفی	پرسشنامه
ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی (مورد برنامه درسی آموزش بزرگسالان)	فتحی واجارگاه و شفیع	۱۳۸۶	توصیفی - پیمایشی	پرسشنامه
تحلیل نظرات مدیران اجرایی نسبت به اشتغال دانش آموختگان کشاورزی	زمانی و خالخیلی	۱۳۸۵	تحلیل محتوا	پرسشنامه باز
رابطه آموزش عالی و کارآیی و اشتغال دانش آموختگان دیدگاه استادان، مدیران و دانش آموختگان بررسی موردی آموزش جنگل	ملاحمد و همکاران	۱۳۸۵	توصیفی - پیمایشی	پرسشنامه و مصاحبه

عنوان پژوهش	پژوهشگر	سال	روش	ابزار
واکاوی شایستگی های دانش آموختگان کشاورزی برای ورود به بازارهای کار در کشاورزی	شهبازی و علی بیگی	۱۳۸۵	توصیفی همبستگی	پرسشنامه
بررسی نگرش دانش آموختگان رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزشی دانشگاه شیراز نسبت به اهمیت و فایده برنامه درسی دوره	پورحقیقی زاده و خادمی	۱۳۸۴	پیمایشی	پرسشنامه
بررسی فرآیند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه نو سازی شده برای دوره کارشناسی حسابداری	نوروش	۱۳۸۲	مطالعه موردی	سندرسی

جدول شماره ۲: فراوانی مقالات مورد بررسی به تفکیک سال انتشار

سال انتشار مقالات	تعداد	درصد
نیمه اول (از ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵)	۵	۶٪
نیمه دوم (از ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۰)	۵	۶٪
نیمه اول (از ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵)	۱۹	۲۵٪
نیمه دوم (از ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰)	۴۹	۶۳٪
جمع	۷۸	۱۰۰٪

نتایج اولیه حاصل از پالایش اولیه مقالات نشان می‌دهد که فراوانی پژوهش‌های ناظر به احصاء و یا تبیین واگرایی بین برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال در سال‌های اخیر با سیر صعودی معناداری همراه بوده است به طوری که ۶۳ درصد از پژوهش‌هایی که طی دو دهه گذشته در عناوین، چکیده و یا یافته‌های خود به عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال پرداخته‌اند در ۵ سال اخیر انجام شده است، چه بسا رشد چشمگیر عدم توفیق فارغ-التحصیلان دانشگاهی در کسب اشتغال مناسب در سنوات گذشته، جامعه پژوهشگری کشور را به انجام تحقیقات روزافزون در این زمینه وادار نموده است. در ادامه با توجه به حجم بالای مقالات مورد بررسی و کثرت گزاره‌های استخراج شده (بیش از ۱۷۰۰ گزاره) و همچنین محدودیت ناظر به ظرفیت مقاله پژوهشی، نمونه‌ای از گزاره‌های منتسب به مقالات که به عنوان کدهای باز در فهرست اولیه زیرمقوله‌ها قرار گرفته است در جدول شماره ۳ ذکر شده است.

جدول ۳. عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال از نگاه پژوهشگران

عوامل ناسازواری شناسایی شده	عنوان پژوهش	پژوهشگران
مغفول ماندن سیسات‌های قومی و چندفرهنگی، چالش برنامه‌های درسی غیرمتمرکز، چالش یادگیری چگونه یادگرفتن، چالش اعتبارسنجی برنامه‌های درسی	سنتز پژوهی چالش‌های برنامه‌های درسی آموزش عالی کشور در دهه اخیر و راهکارهای پیش‌رو	کاویانی و نصراصفهانی (۱۳۹۵)
عدم انطباق و سازواری وضعیت جاری آموزش عالی با تعدیل‌ها و تطبیق‌های نهادی در عرصه برنامه‌های درسی فرارشته‌ای	برنامه درسی فرارشته‌ای، مبتنی بر تحلیل لایه‌ای علی: مفروضه‌های فلسفی، دلالت‌ها و مدلی برای آموزش	شعبانی‌ورکی و همکاران (۱۳۹۶)
کم توجهی به بعد شغلی در اهداف برنامه‌های درسی جامعه‌محور در آموزش عالی	واکاوی ماهیت عناصر الگوی برنامه درسی جامعه‌محور در نظام آموزش عالی براساس رویکرد فراترکیب	رحیمی و دهقانی (۱۳۹۹)
عدم توازن محتوای برنامه درسی با استانداردهای شغلی، عدم پیش‌بینی مهارت‌های شغلی مورد تقاضای آینده در برنامه‌های درسی	محتوای برنامه درسی مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در آموزش عالی ایران: پژوهش کیفی	کشاوری و همکاران (۱۳۹۶)
عدم توازن مضامین حرفه‌ای و شغلی در برنامه درسی با تجربه کمال‌گرای فردمحور و جامعه محور دانشجویان دکتری	کاوش تجربه کمال‌گرایانه دانشجویان دکتری از برنامه‌های درسی آموخته شده دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز: یک مطالعه پدیدارشناسانه	محمدی و عزیزی (۱۳۹۸)
عدم شناسایی نیازهای واقعی دانشجویان و جامعه، پیش‌بینی نکردن امکان انعطاف در برنامه درسی، عدم پذیرش تغییر در فلسفه و مفاهیم زیربنایی آموزش در آموزش عالی، تمایل به تمرکزگرایی در تدوین برنامه‌های درسی، عدم بهره‌گیری از متخصصان حوزه برنامه درسی برای تدوین برنامه‌ها،	الزامات و چالش‌های طراحی برنامه درسی آموزش عالی با رویکرد جامعه یادگیری	کریمی، نصراصفهانی و زنده‌یادشیرف (۱۳۹۲)
استثمار آکادمیک در برنامه‌درسی پنهان آموزش عالی	زیر پوست دانشگاه: واکاوی پدیده استثمار آکادمیک در نظام آموزش عالی ایران	صفایی موحد (۱۳۹۶)
تنگناها و انسداد مطالعات برنامه درسی در ایران، فرجه کردن هرچه بیشتر فهم و درک برنامه درسی به عنوان گفتگویی پیچیده	بنیان‌های نظری دیدگاه نو/چندبسترسازی در مطالعات برنامه درسی: از "برنامه درسی آکواریومی" تا "نظریه جهان‌های	فتحی و اجارگاه (۱۳۹۹)

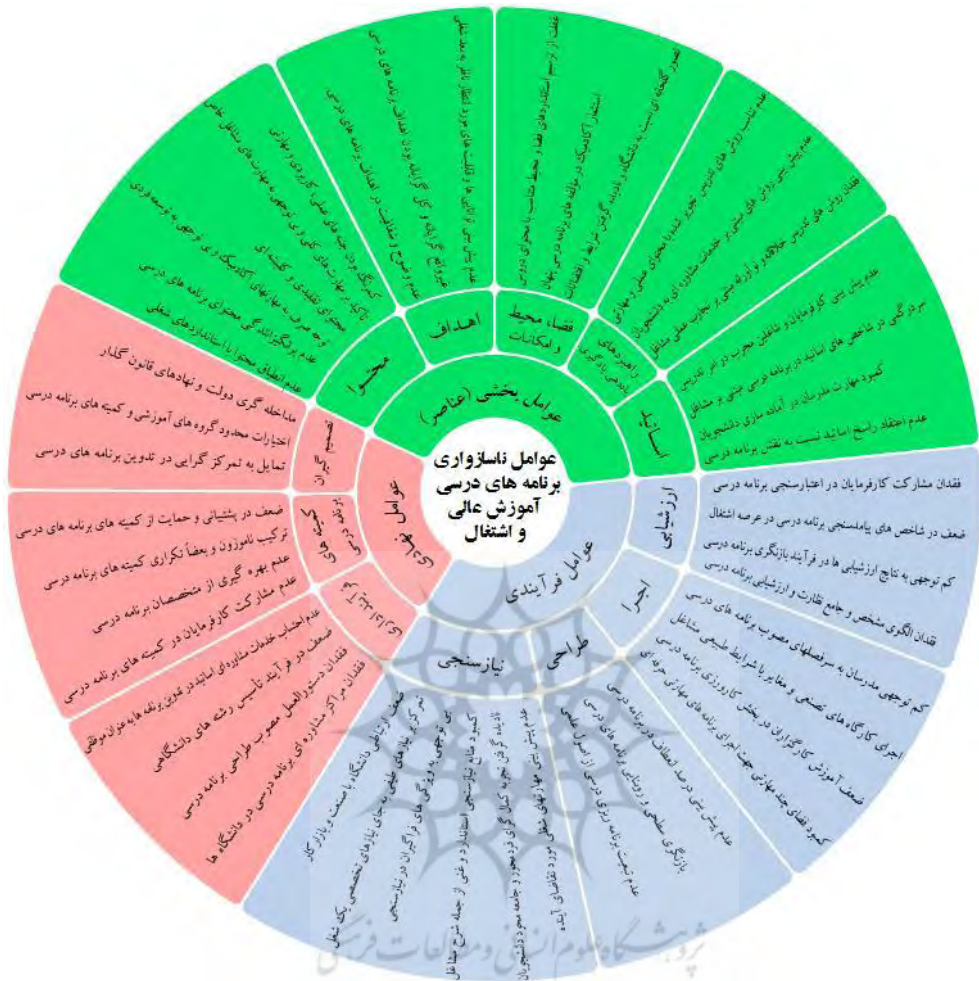
عوامل ناسازواری شناسایی شده	عنوان پژوهش	پژوهشگران
	متعدد در مطالعات برنامه درسی "	
عدم تخصص افراد در تدوین برنامه درسی، عدم اعتقاد تربیتی راسخ اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها نسبت به نقش برنامه درسی، عدم آشنایی با کاربردهای برنامه درسی در محیط زندگی و کاری، عدم وضوح و شفافیت اهداف، عدم درک و فهم اهداف، عدم برانگیزانندگی محتوای برنامه درسی	گسست آموزشی: فاصله برنامه درسی قصد شده و کسب شده در نظام آموزش عالی ایران	غربا، رحیمی و دهباشی (۱۳۹۷)
محدود شدن بازنگری برنامه‌های درسی به تغییر سرفصلها بر اساس افزایش یا کاهش واحد، تغییر پیشنهاد، تغییر نوع درس، تغییر نوع واحد، تغییر نام دروس و یا افزایش و کاهش دروس	مقایسه تطبیقی برنامه‌های درسی جدید رشته مهندسی معماری در مقطع کارشناسی با برنامه درسی قدیم دانشگاه‌های ایران	وزیری فراهانی و همکاران (۱۳۹۹)
ضعف در فرهنگ برنامه‌درسی در دانشگاه‌ها، فقدان مراکزی در زمینه مشاوره برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی،	شناسایی راهبردهای ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران	پرکریا و همکاران (۱۳۹۶)
ضعف آموزش کارگزاران در بخش کارورزی برنامه درسی	تجربه زیسته دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان از برنامه جدید کارورزی تربیت معلم ایران	موسی‌پور و همکاران (۱۳۹۸)
مشکلات محتوایی برنامه‌های درسی تقلیدی بودن برنامه‌ها، مبتنی بر پژوهش نبودن برنامه‌های درسی، عدم تبعیت برنامه‌ریزی درسی از اصول علمی، غیر تخصصی بودن ساختار و سازوکار پیشنهاد رشته، ضعف در فرآیند تأسیس رشته‌های دانشگاهی (ضعف ارتباطی دانشگاه با صنعت و بازار کار، تمرکزگرایی، مداخله‌گری دولت و نهادهای قانون‌گذار، کم‌توجهی یا بی‌توجهی به نیازهای آینده)	آسیب‌شناسی فرایند تأسیس رشته‌های جدید دانشگاهی در ایران	محمودی و خادمی کله‌لو (۱۳۹۵)
غیر واقع‌گرایانه و کل‌گرایانه بودن اهداف برنامه درسی، کم‌رنگ بودن جنبه عملی، کاربردی و مهارتی در برنامه درسی	بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در دوره کارشناسی ارشد	نصراللهی‌نیا و علم‌الهدی (۱۳۹۹)
فقدان توجه به مهارت‌های فردی، شغلی و فناوری به صورت یکپارچه و درهم تنیده در درس کار و فناوری مبتنی بر کسب مهارت‌های عملی زندگی	جایگاه مهارت‌های شغلی مورد نیاز دانش آموزان درس کاروفناوری در اسناد بالادستی آموزش و پرورش: روش آنتروپیشانون	ملکی، لیاقتدار، نیلی (۱۴۰۰)

عوامل ناسازواری شناسایی شده	عنوان پژوهش	پژوهشگران
کیفیت پایین و محتواهای نامناسب برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها، ماهر نبودن مدرسان دانشگاه در آماده سازی دانشجویان برای ورود به بازار کار، نداشتن آشنایی کافی با کارآفرینی در دوران تحصیل، کمبود خدمات و حمایت‌های مشاوره‌ای به دانش آموزان، نبود قانون مناسب اداری	بازدارنده‌های اشتغال دانش آموزان کشاورزی	موحدی (۱۳۹۶)
برنامه درسی تنها سبب رشد مهارت‌های آکادمیک در دانشجویان می‌شود و مهارت‌های توسعه کسب و کار و مهارت‌های توسعه فردی در این زمینه روند نزولی دارد	بررسی وضعیت قابلیت اشتغال در برنامه درسی دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته‌های کشاورزی دانشگاه تهران	آقاپور و همکاران (۱۳۹۳)
حوزه برنامه درسی در ایران با تبدیل شدن به مشاغل تخصصی با توجه به شاخص‌های مدل مفهومی O'Net فاصله قابل توجهی دارد.	بررسی مؤلفه‌های مبتنی بر شغل و شاغل در برنامه درسی	یادگزارزاده (۱۳۹۶)
برنامه درسی این رشته از پایداری درونی لازم برخوردار نیست	بررسی پایداری درونی برنامه درسی رشته الکتروتکنیک شاخه فنی و حرفه‌ای از دیدگاه ذینفعان	عصاره و همکاران (۱۳۹۹)
ضعف در مهارت‌های روش‌شناسی و کارآفرینی در برنامه‌های درسی آموزش عالی	بررسی بازار کار دانش آموزان مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی ایران	مهرعلی‌زاده و آرمین (۱۳۸۶)
تأکید برنامه‌های درسی آموزش عالی به عمر کاری فارغ‌التحصیلان به جای توجه به اولین شغل آنها	بررسی فرآیند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه نوسازی شده برای دوره کارشناسی حسابداری	نوروش (۱۳۸۲)
اگر چه در برنامه درسی بر مهارت‌های عملی نیز تأکید می‌شود؛ اما این مهارت‌ها، مهارت‌های کاربردی معطوف به مشاغل خاص در سازمان‌های ویژه نیستند	تأثیر برنامه های درسی کارشناسی ارشد رشته های علوم تربیتی بر رشد مهارت های شغلی، انتظارات شغلی و شانس اشتغال دانش آموزان این رشته ها	پارسا، مقدم و مهرعلی‌زاده (۱۳۹۹)
برنامه‌های درسی متمرکز مانعی بر سر راه چشم-اندازهای اشتغال پذیری دانشجویان است	تعیین مؤلفه‌های اشتغال پذیری دانش آموزان دانشگاهی با رویکرد آمیخته اکتشافی	خراسانی و همکاران (۱۳۹۸)
اختیار محدود گروه‌های آموزشی، عدم پیش‌بینی امکان ایجاد تغییرات جزئی و متوسط در برنامه درسی، نبود سواد برنامه درسی اعضای هیئت علمی و مشخص نبودن انتظارات، مقاومت در برابر تغییر و نداشتن انگیزه کافی برای مشارکت در اجرا	چالش‌های بازنگاری و اجرای برنامه‌های درسی در دانشگاه فردوسی مشهد	زمهریر، کرمی و جعفری ثانی (۱۳۹۸)

فرا ترکیب عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال ...

پس از بررسی عمیق متن مقالات به روش تحلیل محتوا فهرستی از مفاهیم، عبارات و مؤلفه‌هایی که به عنوان عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال قلمداد می‌شد استخراج گردید، در فرآیند رویش این مفاهیم از رویکرد «مقایسه مستمر» استفاده شد به نحوی که ضمن شکست اطلاعات مقالات به پاراگراف‌ها و عبارات، مفهوم هر جزء از طریق یک مکانیزم تجزیه و تحلیل رفت و برگشتی استخراج و عنوان بندی شد و در خلال مواجهه پژوهشگر با مقالات جدید و عبارات نو، گزاره‌های عنوان بندی شده با انعطاف کامل به صورت خودجوش رویش پیدا کرد. محصول این فرآیند مستمر احصاء بیش از ۱۷۰۰ گزاره بود که طی عملیات ذکر شده در قالب ۴۷ کد باز جلوه‌گر شد. در مرحله بعد به دنبال دسته‌بندی این مفاهیم با ممیزات دقیق و خلق مقوله‌های فرعی، با توجه به ویژگی‌ها و مشخصه‌های هر گزاره، قرابت موضوعی گزاره‌ها و ارتباط مفهومی بین آنها، کدهای باز به ۱۲ کد محوری تبدیل و در نهایت با استفاده از نگاه کل‌نگری و رویکرد توصیفی انتزاعی کدهای محوری در ۳ مقوله اصلی با عناوین عوامل فرآیندی، عوامل بخشی (عنصری) و عوامل نهادی افزاز شدند. شکل شماره ۲ الگوی مفهومی عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی و اشتغال، مشتمل بر مقوله‌های اصلی، کدهای محوری و کدهای باز حاصل از فرا ترکیب مقالات مورد بررسی را نشان می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۲. الگوی مفهومی عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی با اشتغال

در ادامه به منظور پاسخ به سؤال دوم پژوهش و اولویت‌بندی عوامل شناسایی شده با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی گروهی، فاکتور «حرفه‌ای بودن» (با تعریف عملیاتی: میزان انطباق با مشاغل) به عنوان معیار اولویت‌بندی مدنظر قرار گرفت، براین اساس ساختار درخت سلسله مراتب در دو سطح تشکیل شد. در سطح اول با هدف مقایسه ۳ مقوله اصلی (عوامل فرآیندی، عوامل نهادی و عوامل بخشی) و در سطح دوم با هدف مقایسه ۱۲ مقوله فرعی و تعیین اولویت آنها با فاکتور حرفه‌ای بودن، درخت سلسله مراتب ترسیم شد. در گام بعد باید کلیه عوامل در هر دو سطح دوباره مقایسه می‌شدند و میزان ارجحیت هر عامل با عوامل رقیب سنجیده می‌شد.

فرا ترکیب عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال ...

براین اساس جداول مقایسه دودویی به تفکیک مقوله‌های ۳ گانه اصلی و مقوله‌های ۱۲ گانه فرعی در طیف ۹ درجه‌ای تهیه و در اختیار ۸ نفر از صاحب‌نظران و خبرگان حوزه برنامه درسی قرار گرفت. بنابراین به هریک از پاسخ‌دهندگان ۲ پرسشنامه مشتمل بر مقایسات زوجی عوامل شناسایی شده داده شد تا نسبت به مقایسه دودویی مقوله‌های اصلی و مقایسه دودویی مقوله‌های فرعی براساس معادل ارزشی جداول مقایسات زوجی اقدام نمایند. جدول شماره ۴ ماتریس مقایسات دو مورد از عوامل شناسایی شده (عوامل فرآیندی و عوامل نهادی) و جدول شماره ۵ خروجی ارزش‌گذاری یکی از پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه مربوط به مقایسات زوجی ۳ مقوله اصلی را نشان می‌دهد.

جدول ۴. مقایسه دودویی عوامل فرآیندی و عوامل نهادی

ارزش	اولویت‌ها	توضیح
۱	ترجیح یکسان	عوامل فرآیندی نسبت به عوامل نهادی اهمیت برابر دارد و یا ارجحیتی نسبت به هم ندارند
۳	کمی ترجیح	عوامل فرآیندی نسبت به عوامل نهادی کمی مهمتر است
۵	خیلی مرجح	عوامل فرآیندی نسبت به عوامل نهادی مهمتر است
۷	خیلی زیاد مرجح	عوامل فرآیندی دارای ارجحیت خیلی بیشتری از عوامل نهادی است
۹	کاملاً مرجح	عوامل فرآیندی مطلقاً مهمتر و قابل مقایسه با عوامل نهادی نیست
۲ و ۸	بینابین	ارزش‌ها بین ارزش‌های ترجیحی را نشان می‌دهد

جدول شماره ۵. ماتریس مقایسه مقوله‌های اصلی با معیار حرفه‌ای بودن توسط پاسخگوی کد ۱۰۶

عوامل نهادی	عوامل فرآیندی	عوامل بخشی	فاکتور: حرفه‌ای بودن (میزان انطباق با مشاغل)
۵	۳	۱	عوامل بخشی
۲	۱		عوامل فرآیندی
۱			عوامل نهادی

به دلیل تنوع در پاسخ‌ها و همچنین به دلیل برخورداری داده‌ها از ویژگی «نسبی بودن» و به‌منظور تصمیم‌گیری درخصوص برآیند نظرات، همانطور که توماس آل‌ساعتی (۱۹۸۹) طراح فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی گروهی نشان داده است، میانگین هندسی مناسب‌ترین قاعده ریاضی برای ترکیب قضاوت‌ها در این مدل است. بنابراین داده‌ها به نرم افزار Expert Choice که یک نرم‌افزار تخصصی به‌منظور انجام محاسبات فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی است وارد شد. این نرم‌افزار ضمن محاسبه میانگین هندسی داده‌ها، به منظور استخراج اولویت‌ها از جدول‌های

مقایسه گروهی از مفهوم نرمال سازی و میانگین موزون استفاده می کند. به عبارت دیگر در این روش ضرایب نهایی هر یک از عوامل بعد از فرآیند نرمال سازی هر سطر از ارزش های ترجیحی مربوط به مقایسه هر عامل با عامل رقیب و مقادیر حاصل از میانگین موزون محاسبه و گزارش می شود. در ادامه، خروجی نرم افزار Expert Choice در خصوص میانگین موزون ارزش های ترجیحی ارائه شده توسط پاسخ دهندگان (جدول ۶ و جدول ۷) و ضرایب نهایی هر یک از مقوله های اصلی و فرعی در فرآیند مقایسه زوجی در شکل ۳ و شکل ۴ ارائه شده است.

جدول شماره ۶. ماتریس مقایسه زوجی میانگین موزون ارزش های ترجیحی مقوله های اصلی

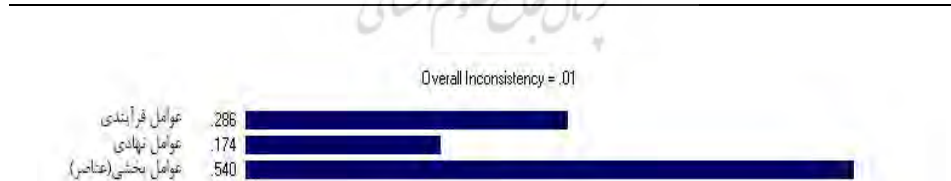
عوامل نهادی	عوامل فرآیندی	عوامل بخشی	فاکتور: حرفه ای بودن (میزان انطباق با مشاغل)
۳,۴۴	۱,۷	۱	عوامل بخشی
۱,۴۸	۱		عوامل فرآیندی
۱			عوامل نهادی

جدول شماره ۷. ماتریس مقایسه زوجی میانگین موزون ارزش های ترجیحی مقوله های فرعی

اجرا	ارزشیابی	طراحی	نیازسنجی	فرآیند اداری	کمیته های برنامه درسی	تصمیم گیران	اساتید	اهداف	راهبردهای یاددهی و یادگیری،	فضا، محیط و امکانات	محتوا	فاکتور: حرفه ای بودن (میزان انطباق با مشاغل)
۴,۲	۵,۲۵	۳,۵	۳,۵	۷,۰	۳,۰	۵,۲۵	۲,۶۲	۱,۶۱	۱,۱۸	۵,۲۵	۱	محتوا
۱,۲۳	۱,۶۳	۱,۲۲	۱,۳	۱,۸۹	۱,۱۹	۱,۲۹	۱,۴۶	۳,۲۵	۴,۲۵	۱		فضا، محیط و امکانات
۳,۴	۴,۲۵	۲,۸۳	۲,۸۳	۵,۶۷	۲,۴۳	۴,۲۵	۲,۱۲	۱,۳۱	۱			راهبردهای یاددهی و یادگیری،
۲,۶	۳,۲۵	۱,۱۷	۲,۱۷	۴,۳۳	۱,۸۶	۳,۲۵	۱,۶۲	۱				اهداف
۱,۰۷	۱,۲۳	۱,۲۹	۱,۷۹	۳,۰	۲,۳۳	۲,۹۹	۱					اساتید

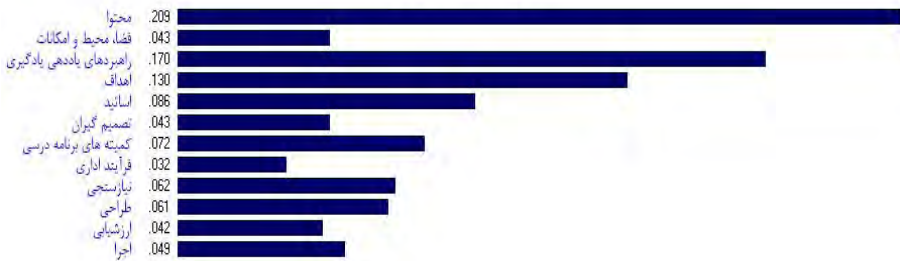
فرا ترکیب عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال ...

فاکتور: حرفه‌ای بودن (میزان انطباق با مشاغل)	محتوا فضا، محیط و امکانات راهبردهای یاددهی و یادگیری، اهداف اساتید تصمیم‌گیران	تصمیم‌گیران	کمیت‌های برنامه درسی	فرآیند اداری	نیازسنجی	طراحی	ارزشیابی	اجرا
		۱	۱,۱۶	۱				
			۲,۲۲	۱,۳۵	۱			
			۱,۳۳	۱,۱۴	۱,۵۴	۱		
			۱,۳۸	۱,۴۱	۲,۰۵	۲,۹۹	۱	
			۲,۲۳	۱,۹۴	۲,۲۶	۲,۰۵	۱,۱۸	۱
			۲,۹۳					



شکل ۳: اولویت‌بندی عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی و اشتغال به روش تحلیل سلسله مراتبی گروهی (مقوله‌های اصلی)

Overall Inconsistency = .03



شکل ۴. اولویت‌بندی عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی و اشتغال به روش تحلیل سلسله مراتبی گروهی (مقوله‌های فرعی)

همانطور که نتایج خروجی نرم افزار نشان می‌دهد پاسخ دهندگان به ماتریس‌های زوجی، اهمیت عوامل بخشی (عناصر) را با ضریب اهمیت ۰,۵۴ در مقایسه با عوامل نهادی و عوامل نهادی از اولویت بیشتری برخوردار می‌دانند. همچنین براساس نظر خبرگان از بین ۱۲ کد محوری، «محتوا» با ۰,۲۰۹ دارای بالاترین وزن و اهمیت و کد محوری «فرآیند اداری» با ۰,۰۳۲ دارای کمترین ضریب اهمیت در بین مقوله‌های فرعی عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی و اشتغال هستند.

آخرین مرحله از اولویت‌بندی عوامل تعیین نرخ سازگاری است. به عبارت دیگر در فرآیند تحلیل سلسله مراتبی، علاوه بر ترکیب سطوح مختلف سلسله مراتب تصمیم و در نظر گرفتن عوامل متعدد باید نسبت به اینکه تا چه اندازه می‌توان به اولویت‌های حاصل از اعضای گروه و یا اولویت‌های جدول‌های ترکیبی اعتماد کرد حساس بود. تجربه نشان داده است که هرچه این نرخ از عدد ۰,۱ کمتر باشد میزان اعتمادپذیری بیشتر خواهد بود و چنانچه این نرخ بیشتر از ۰,۱ باشد باید مقایسات تکرار شود. در این پژوهش با توجه به بهره‌برداری از نرم افزار Expert Choice در تعیین اولویت‌ها و امکان محاسبه نرخ سازگاری از طریق بردارهای ویژه در این نرم‌افزار، همانطور که در خروجی نرم‌افزار (شکل ۳ و شکل ۴) مشخص است، نرخ سازگاری برای مقوله‌های اصلی ۰,۰۱ و برای مقوله‌های فرعی ۰,۰۳ گزارش شده است که هر دو کمتر از ۰,۱ بوده و قابل قبول است.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که وضعیت موجود برنامه‌های درسی آموزش عالی در مقایسه با موضوع اشتغال از یک واگرایی و ناسازواری برخوردار است که پژوهشگران مختلف ضمن اشاره به

فرا ترکیب عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال ...

این واگرایی مولفه‌های گوناگونی را به عنوان عامل این ناسازواری معرفی نموده اند. نتایج حاصل از فرا ترکیب پژوهش‌های پیشین این عوامل را در سه مقوله اصلی تحت عناوین ۱- عوامل فرایندی ۲- عوامل بخشی (عناصر) و ۳- عوامل نهادی، افزاز و نشان می دهد که باتوجه به نظر خبرگان موضوعی بر اساس تحلیل سلسله مراتبی گروهی، عوامل بخشی (عناصر) در مقایسه با سایر مقوله ها از اولویت بیشتری برخوردار بودند به عبارت دیگر عناصر برنامه‌های درسی آموزش عالی در مقایسه با عوامل نهادی و عوامل فرآیندی بیشترین سهم را در ایجاد ناسازواری برنامه-های درسی آموزش عالی با اشتغال دارد که باید توسط مراجع سیاستگذار در خصوص اصلاح آن در جهت ایجاد همگرایی بین برنامه‌های درسی و اشتغال برنامه‌ریزی و اقدام شود.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر پنج عامل اساتید و مدرسان، راهبردهای یاددهی و یادگیری، اهداف، محتوا و فضا، محیط و امکانات به عنوان عوامل بخشی (عناصر) و چهار عامل نیازسنجی، طراحی، اجرا و ارزشیابی در زیرمقوله عوامل فرایندی و سه عامل تصمیم گیران، کمیته‌های برنامه‌ریزی درسی و سازوکار اداری را به عنوان عوامل نهادی در ناسازوار نمودن برنامه های درسی آموزش عالی و اشتغال معرفی نموده است که از بین این عوامل، عامل «محتوا» بیشترین سهم را در این ناسازواری به خود اختصاص داده است؛ که نظام آموزش عالی کشور را به سمت بازنگری اساسی در محتوای برنامه‌های درسی با رویکرد اشتغال محور رهنمون می‌سازد. از این‌رو باید شش عامل مهم که در این پژوهش ذیل مولفه «محتوا» به عنوان عامل ناسازواری برنامه‌های درسی و اشتغال شناسایی شده است یعنی ۱- عدم انطباق محتوا با استانداردهای شغلی، ۲- عدم برانگیزانندگی محتوا ۳- تمرکز صرف محتوا بر مهارت‌ها آکادمیک و بی توجهی نسبت به توسعه فردی، ۴- تقلیدی و کلیشه‌ای بودن محتوا ۵- تأکید بر مهارت‌های کلی و بی-توجهی به مهارت‌های مشاغل خاص و ۶- کم‌رنگ بودن جنبه‌های عملی، کاربردی و مهارتی محتوای برنامه‌درسی؛ را به طور جدی مورد توجه قرار داده و اقدامات لازم به منظور رفع این موانع را انجام نماید.

از جمله راهکارهایی که می‌تواند نظام آموزش عالی کشور را در مسیر رفع عوامل شناسایی شده قرار دهد عبارت است از:

- ۱- تدوین و ابلاغ دستورالعمل جامع نیازسنجی، طراحی و ارزشیابی برنامه‌های درسی آموزش عالی با رویکرد اشتغال محور
- ۲- تلاش برای جلب مشارکت حداکثری کارفرمایان و صاحبان مشاغل در اعتباربخشی برنامه-های درسی مبتنی بر مشاغل
- ۳- راه اندازی مراکز مشاوره‌ای برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها

- ۴- عبور از کلیشه‌ها و حصارهای خودساخته ناشی از استثماریت آکادمیک در به‌وزرسانی برنامه‌های درسی در جهت انطباق حداکثری برنامه‌ها با نیاز مشاغل
- ۵- تقویت جنبه‌های عملی، کارگاهی و مهارتی در برنامه‌های درسی
- ۶- طراحی و اجرای دوره‌های ضمن خدمت برنامه‌ریزی درسی برای کلیه اساتید و مدرسان عضو کمیته‌های برنامه‌درسی آموزش عالی
- ۷- افزایش محدوده اختیارات گروه‌های علمی و کمیته‌های برنامه‌ریزی درسی در جهت پویایی و انعطاف برنامه‌های درسی
- ۸- تشکیل کمیته‌های ارزشیابی برنامه‌های درسی با حضور نمایندگان کارفرمایان و صاحبان مشاغل
- ۹- جانمایی استانداردهای فضا و محیط آموزشی ناظر به تحقق اهداف درون برنامه‌های درسی و تلاش برای ایجاد یا تقویت زیرساخت‌های آموزشی منطبق با استانداردهای تجویز شده این مقاله از هیچ سازمان و ارگانی حمایت دریافت نکرده است.

منابع

- آقاپور، شهلا و همکاران (۱۳۹۳). نقش مهارت‌های کلیدی در شکل‌گیری قابلیت اشتغال دانشجویان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷۱، صص ۴۱-۵۶
- خبرگزاری اقتصاد نیوز (۲۷ مرداد ۱۴۰۰). از هر ۱۰ ایرانی فقط ۳ نفر شاغل‌اند. کد خبر ۴۲۶۶۲۲ موجود در <https://www.eghtesadnews.com>
- راجردی، ویمر و جوزف آر. دومینیک، (۱۳۸۴). تحقیق در رسانه‌های جمعی، ترجمه دکتر کاووس سیدامامی، تهران: سروش
- سالنامه آماری کشور، ۱۴۰۰. تهران: انتشارات مرکز آمار ایران
- سلطانی فر، مهدی (۱۳۹۶). *ارایه یک روش جدید سلسله‌مراتبی گروهی با استفاده از مدل رای‌گیری ترجیحی*. مجله تحقیق در عملیات در کاربردهای آن، سال چهاردهم، شماره سوم، صص ۱-۱۳
- عابدی جعفری، حسن (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین، روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، مجله اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۰
- قاسمی پویا، اقبال و خلاقی، علی اصغر (۱۳۹۴). *ارزشیابی آمادگی تحصیلی و عملکرد نهایی هنرجویان رشته الکتروتکنیک شاخه فنی‌وحرفه‌ای*، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۳۱، شماره ۲، صص ۳۹-۷۰.

فرا ترکیب عوامل ناسازواری برنامه‌های درسی آموزش عالی و اشتغال ...

- کرمی، شهناز و همکاران (۱۳۹۹). *تغییرات اقلیم: بستری نو در برنامه درسی آموزش عالی*. فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال هفدهم، دوره دوم، شماره ۴۰.
- ملکی، مهدی و همکاران (۱۴۰۰). *جایگاه مهارت‌های شغلی مورد نیاز دانش آموزان درس کاروفناوری در اسناد بالادستی آموزش و پرورش: روش آنتروپیشانون*. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، دوره ۱۳، شماره ۴۷.
- موحدی، رضا (۱۳۹۶). *بازدارنده‌های اشتغال دانش‌آموختگان کشاورزی*. فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، شماره ۴۱، صص ۷۹-۹۵.
- مهرعلیزاده، یدالله و آرمن سیدعزیز (۱۳۸۶). *بررسی بازار کار دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های دولتی ایران*. دوماه‌نامه علمی پژوهشی دانشگاه شاهد، سال چهاردهم، شماره ۲۶، صص ۷۳-۸۶.
- وزیری، مرژده (۱۳۷۸). *نظام برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران ویژگی‌ها و جهت‌گیری‌ها*. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.

- Abelho, M., Fernandes S., Mesquita, D., Seabra, F., Ferreira-Oliveira, A.T. (2020). *Graduate Employability and Competence Development in Higher Education—A Systematic Literature Review Using PRISMA*. Sustainability, MDPI, Open Access Journal, 12(15), 1-27
- Artess, J., Hooley, T. and Mellors-Bourne, R. (2017). *Employability: A Review of the Literature 2012-2016*. York: Higher Education Academy
- Durette, B. Fournier, M. & Lafon, M. (2016). *The core competencies of PhDs*. Studies in Higher Education, 41 (8), 1355-1370.
- Garcia Alvarez, J.G., Losada, A.S., Comesana, M.C. (2014). *Prospects for Social employment insertion of graduates in pedagogy in the Autonomous community of Galicia. From the university to labor market, procedia-social and Behavioral Scinces*, 139(2041), 412-418.
- Lisá, E., Hannelová, K., Newman, D. (2019). *Comparison between employers' and students' expectations in respect of employability skills of university graduates*. International Journal of Work-Integrated Learning, 20(1), 71-82
- Luen, Wong Kee. (2008). *Curriculum gaps in business education: a case study of stakeholders' perceptions*. Thesis submitted for the degree of Doctor of Education at the University of Leicester.
- Saaty, T. L. (1989). *Group Decision Making and the AHP. The Analytic Hierarchy Process*, 59-67.
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (2006). *Handbook for synthesizing qualitative research*. New York: Springer Publishing Company.
-